

بنیاد اندیشه



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۲

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری ادبیات معاصر
سال دوم، شماره دهم و یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷
صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه
مدیر مسئول: حسین حیدریگی
معاون مدیر مسئول: علی پیام

دبیر بخش رویداد: عصمت الطاف
مدیر هنری: هادی مروج
مدیر اجرایی: رشید محمدی
همکار بخش شعر: امان میرزایی
ویراستار: گروه ویراستاران

اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

تقی واحدی، حسین فخری، حبیب صادقی، حسین رهیاب،
حفیظ شریعتی (سحر)، حمزه واعظی، دین محمد جاوید،
روح الله روحانی، زهرا حسین زاده، سلمانعلی ارزگانی،
سید ابوطالب مظفری، شوکتعلی محمدی شاری، صادق دهقان،
عبدالشکور نظری، علی بابا اورنگ، فاطمه روشن، قاسم سام قاموس،
قتبر علی تابش، محمدجان ستوده، محمد شریف سعیدی،
محمدیونس طغیان ساکایی، محمود جعفری ترخانی، نادر احمدی.

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آصف جوادی، بلقیس علوی، حکیمه اخلاقی، خوشبین هروی،
دینا محسنی، روح الله دانشیار، زهره حسینی،
شوونمل حسینه سلیمان، شهریار آرمان، عباس کیفی،
عزیز الله نهفته، علی جعفری، عنایت الله باور بامیک،
فریده فریاد، کاوه شفق آهنگ، کریم دهقان، محمد بهنام فر،
محمد عرفانی، محمد عوض اعتمادی مالستانی،
معصومه امیری، نجیبه زرتشت، نور محمد نوریا، وفا سمندر،
هادی میران، هادی نوری، یعقوب یسنا.



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲



ادبیات معاصر

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری - سال دوم، شماره دهم و یازدهم
بهار و تابستان ۱۳۹۷



طرح روی جلد شماره هشتم و نهم

ایران - مشهد: سید ابوطالب مظفری: شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۶۴۶۵۸۱۷۷
قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، محمد علی جو یا، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۱۰۲۰۴۸۰۰۷
تهران: صادق دهقان، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۶۷۰۳۰۹۷
استرالیا - آدلاید: نادر احمدی: شماره تماس: ۰۰۶۱۴۳۲۱۴۰۲۷۷
اروپا - اروپای شرقی - ناروی: حمزه واعظی، شماره تماس: ۰۰۴۷۹۶۸۵۷۳۳۱
اروپای مرکزی - انگلستان: ابراهیم افتخاری، شماره تماس: ۰۰۴۴۷۵۸۷۶۹۱۴۵۵

مجله در ویرایش و کوتاه کردن مطالب دست باز دارد.
مسئولیت محتوای مطالب به دوش نویسنده است.
اخذ مطالب از این فصلنامه با ذکر منبع بلامانع است.
مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی شود.
بها: ۱۷۰ افغانی

مراکز بخش
افغانستان - کابل: چهارراهی پل سرخ، مارکت ملی، انتشارات بنیاد اندیشه،
شماره های تماس: ۰۰۹۳۷۸۸۳۱۱۵۲۴ - ۰۰۹۳۷۴۴۲۰۸۳۹۲
E-mail: adabyat2016@gmail.com
مزار شریف: تقی واحدی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۵۳۹۳۶۶
هرات: عبدالواحد رفیعی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۴۰۹۹۳۲
دایکندی: عبدالهادی رحیمی زاده، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۷۵۵۷۷۸۲۹
بامیان: محمد امین ابتهاج حجتی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۶۶۷۰۱۲۳۴
غزنی: حکمت الله نظری، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۴۴۵۶۰۷۷۲
تاجیکستان - پروفیسور روشن رحمان، شماره تماس: ۰۰۹۹۲۹۱۹۸۹۰۲۰۸

کارنامه

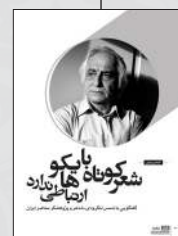
بزرگترین آرزویم، کشف «خود» و «آن» است/ وفاسمندر/ ۵.
نام‌ها را از نو تلفظ کنیم/ عزیزالله نهفته/ ۶.

فرهنگ

بازنمایی مهاجرت و مهاجر در آهنگ‌ها و اشعار عامیانه افغانستان/ بلقیس علوی/ ۸.
سیر تحول مطبوعات و رسانه جمعی در افغانستان/ محمدعرفانی/ ۲۰.
جایگاه رسانه‌های جمعی در نظام حقوقی افغانستان/ محمدعوض اعتمادی مالستانی/ ۲۸.
تحلیل و بررسی نفس در آرای نجم‌الدین رازی و ابن سینا/ یعقوب یسنا/ ۳۷.
پروان و آذر فرنیغ بر روشن‌کوه آن/ دکتر محمدیونس طغیان ساکایی/ ۴۷.
نوای خاموش نهران/ شوونمل حسینه سلیمان/ ۵۰.
نگاهی به حماسه «ساتی برزن»/ دینا محسنی/ ۵۶.

ادبیات و هنر

شعر کوتاه با هایکو ارتباطی ندارد؛ گفت‌وگو با شمس لنگرودی/ خوشبین هروی/ ۶۶.
بررسی هنجارگریزی زبانی مجموعه شعر «پیاده آمده بودم»؛ اثر محمدکاظم کاظمی، بر مبنای الگوی جفری لیچ/ محمد بهنام‌فر، روح‌الله دانشیار/ ۷۰.
از منظر غیر متعارف/ هادی میران/ ۸۱.
خرمای خوزستان من خندیدن تو (امید و انتظار در شعرهای قیصر امین‌پور)/ روح‌الله روحانی/ ۹۰.
تذکره حدیقه هندی؛ تألیف بهگوان داس هندی/ عباس کیفی/ ۹۴.
سیب ممنوعه (نگاهی به مجموعه شعر «سیب امتداد آرنج من است»؛ اثر محمود جعفری)/ حفیظ شریعتی سحر/ ۹۸.
تازگی خیال و نوستالژی در «مشتی پروبال»/ آصف جوادی/ ۱۰۶.
بیرون‌گرایی در راه ابریشم آزادی (سبک‌شناسی «راه ابریشم آزادی» اثر قنبرعلی تابش)/ عصمت الطاف/ ۱۰۹.
یک باغچه فریاد و یک آهنگ سکوت (خوانشی از «انکار» اثر محمداسحاق ثاقبی)/ نورمحمد نورنیا/ ۱۱۶.
نی‌رنج همان نی رنج است (مروری بر مجموعه شعر مژگان فرامنش)/ عنایت‌الله باور بامیک/ ۱۲۲.
مسگران بر سرم چکش می‌کوبند/ کاوه شفق آهنگ/ ۱۳۴.
سوختن در سرزمین کلمات (بررسی مجموعه شعر «خشخاش‌ها» اثر امان‌الله میرزایی/ علی جعفری/ ۱۴۲.
حکومت وحشت (نگاهی به رمان «حکومت نظامی» اثر خوسه دونوسو)/ هادی نوری/ ۱۴۶.
نگاه ساختاری به رمان «سکه‌ای که سلیمان یافت»/ کریم دهقان/ ۱۵۰.
«ملت عشق» از همه دین‌ها جداست/ فریده فریاد/ ۱۵۹.
تولد مؤلف در متن (نگاهی به داستان «یک مرد مسلمان، یک مرد هندو») از مجموعه داستان «سنگ قبر» اثر علی پیام/ شهریار آرمان/ ۱۶۶.





شعر و داستان

شعر معاصر افغانستان: عقیف باختری، یحیا جواهری، تهماسبی خراسانی، مژگان فرامنش، موسی ابراهیمی، حیدر احمدی بلندی، سید سکندر حسینی بامداد، سهراب سیرت، ابراهیم امینی، فرنگیس سوگند، عنایت شهیر، وهاب مجیر، هدیه ارمان، محمد اشرف آذر، منصوره خلیلی، رضا توسلی، زهرا ابراهیمی، احسان توسلی و محمد رضایی/ ۱۷۰.

شعر معاصر ایران: منیژه رضوان، حسن سرداری، مجتبی فدایی، غزاله شریفیان، علی گردویی و سلمان نظافت یزدی/ ۱۹۶.

داستان: مرداد معدوم/ معصومه امیری/ ۲۰۴.

سکوت تالاب خونی/ حکیمه اخلاقی/ ۲۰۶.

زیر درخت انجیر/ زهره حسینی/ ۲۰۹.

داستان ترجمه: نامه عاشقانه فرانتس کافکا به ملینا یزنسکا/ نجیبه زرتشت/ ۲۱۳.

رویداد

یادکرد: پدر ترجمه علمی در افغانستان؛ یادی از استاد علی محمد زهما/ دکتر محمدیونس طغیان ساکایی/ ۲۱۷.

گزارش: تجلیل از پنجاهمین سالید سید اسماعیل بلخی/ ۲۱۹.

مسائل هزاره؛ دایرةالمعارفی برای شناخت جامعه هزاره/ ۲۲۷.

گزارش از رونمایی کتاب نگارش و روش تحقیق؛ اثر یعقوب یسنا/ ۲۳۰.

سکه ای که سلیمان یافت؛ رمانی از زهنورد زریاب/ ۲۳۲.

سیاهموی و جلالی؛ واقعیتی که افسانه می نماید/ ۲۳۴.

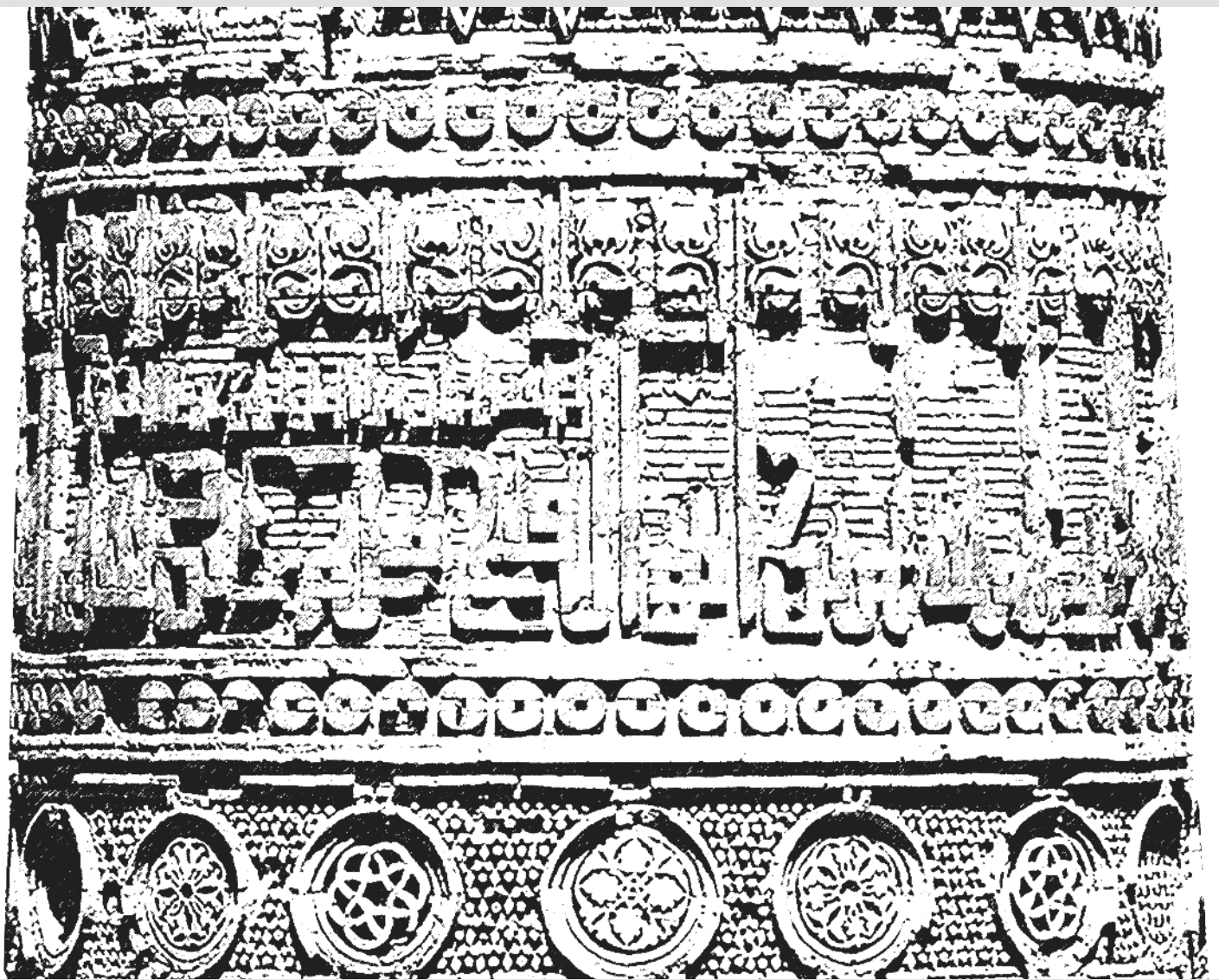
کلک خیال؛ شایسته ترین کار در هنر خوش نویسی و نقاشی خط/ ۲۳۸.

کسب جایزه پولار؛ افتخار دیگری برای افغانستان/ ۲۴۴.

اولین جشنواره شعر افغانستان در شهر اوپسلا، سویدن/ ۲۴۸.

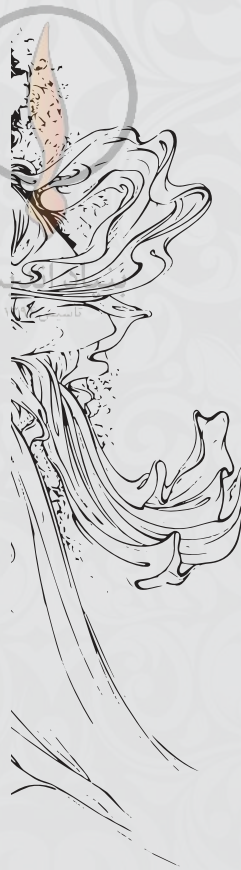
کتابخانه/ ۲۵۰.



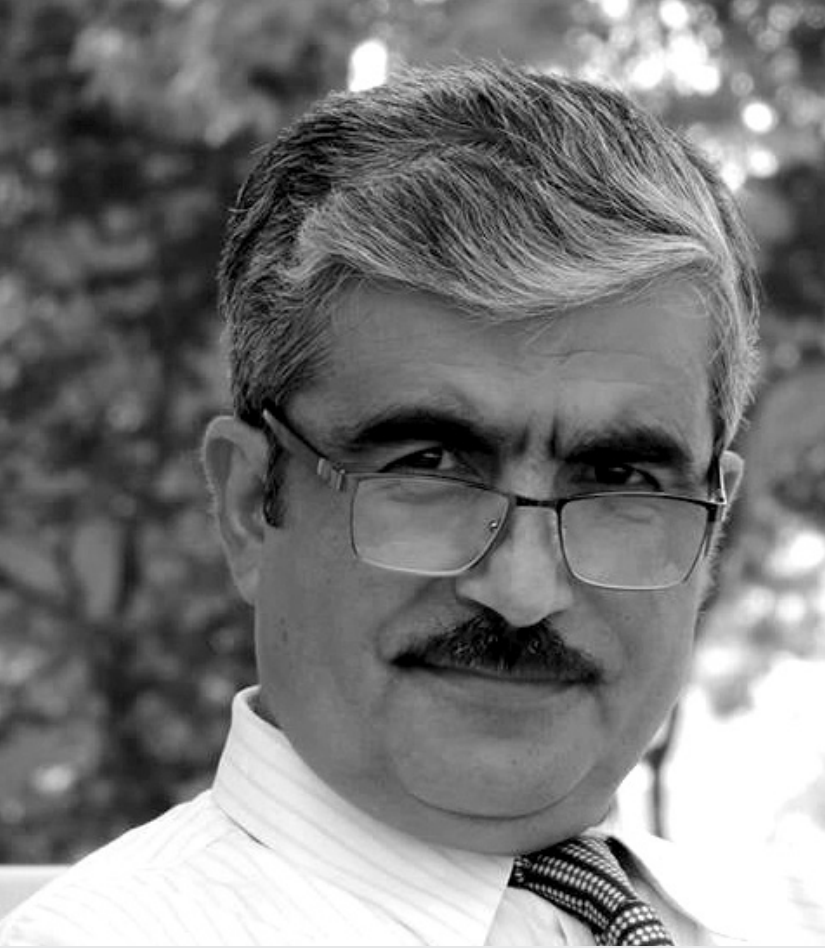


آینه دل داغ جلا ماند و نفس سوخت
فریاد که روشن نشد این آتش و خس سوخت
واداشت ز آزادی ام الفتکده جسم
پرواز من از گرمی آغوش قفس سوخت
آهنگ رحیل از دو جهان دود بر آورد
این قافله را شعله آواز جرس سوخت
سر مایه در اندیشه اسباب تلف شد
آه از نفسی چند که در شغل هوس سوخت
از پستی همت نرسیدیم به عنقا
پرواز بلندی به ته بال مگس سوخت
گر خواب عدم بر دو جهان شام گمارد
دل نیست چراغی که توان بر سر کس سوخت
پا آبله کردیم دگر برگ طلب کو
بیدل عرق سعی در این پرده نفس سوخت

بیدل دهلوی



به جای سرمقاله |



وفاسمندر

روزنه ورود به «خود» و آن همه یافتن، کاری است که هیچ فرهاد، مجنون و اتلویی آن را به خاطر ندارند. پس چه کاری باید کرد؟ از کجا، چه گونه و چه زمانی وارد «خود» شویم؟ اینها سؤالهایی اند سخت جان و دیردوام؛ پس باید تجربه شوند تا به «بودن» رسید.

قبل از این همه طول و عرض زمان، کجا و چه بوده ام؟ نمی شود با تمام کم و کیف دستگاه ذهن، به این قلمرو پا گذاشت و آموزش «بودن» را سر کشید. به همه حال، چون فرصت از آن خودم بود، این از خود و این از محمدانور وفا سمندر؛ آن یکی را من تلاوت می کنم و این دیگرش را این جا می ریزم برای فهم هم تراز با عقل و منطق؛ هم برای خودم و هم برای دیگر عزیزان به جان برابرم.

کار تازه ام زمانی است به زبان پشتو «هر یو خپل سقراط دی» (هر فرد سقراط خود است)؛ اما این هم عجیب وحشتی است برای ذهن و دیوارها و دژهایش که محصولی است از تمدن؛ از بدویت تا مدرنیسم. یک فروریزی و سونامی برای همه داشته های ذهنی، یادگارهای خوابیده در اوراق افتخارات تاریخ و زیورات گم شده در روپوش های معابد و قبور. «الماس» مرگ را می خرد تا به فتح قسمت های بعد از زندگی برسد و اورهاست در من، می سراید و با بد اخلاقی نامروجه، بوسه می زند تمامی ممنوعات کتاب و مدرسه و اخلاق را. این دیوانگی رها است در وجود آن یگانه؛ همان معمای اعظم ذهن و آگاهی ذهنی.

دیروز یافتم قطعه گم شده دیگری از وجودم را. می خواهم رمان شود؛ اما تمام روز با خود تا و بالا می کشم تا نغمه اش از فارسی رساتر شده می تواند، یا پشتو؟ هنوز نیافته ام؛ اما این وجود تازه از وجود آن سوتر و این سوتر از مقوله زمان و مکان، مرا پُر از شوق ساخته که مگر این بار مانیفست «خود» ام تمام شود.

بدون آئی که هستم، بزرگترین آرزویم، کشف خود و آن است. بودن را بومی کشم و آن را از جنس کلمه خشت می زنم؛ اما هنوز که هنوز است، نه من هستم نه او من می شود: دروغی که در تلاش ارتقای من است. نه، باید بریزم: بودن ساخته هیچ چیز نیست. با همه احوال، اگر ادبیات نمی بود، کور می ماندم و بیشتر و بدتر لال می شدم و می خفتم با این همه مرگ، مرگ، مرگ.

ادبیات، بنزین ورود شد به اقلیم «بودن»؛ اما چه بگویم که زبان «چوبین»، شاخی است که ذهن بر آگاهی ام نشانده. با این شاخ چه باید کرد؟ ای وای، از اسطوره های یونان، چه بیاورم که نو، تازه و از آن لحظه باشد.

دیگرش این که «بودن» به گفت نمی آید. در دیوار و گفتن استوار است بر ذهن، ذهن چیزی است مانند، قصه اسپ کتاب صنف اول یا صدسال تنهایی گارسیا مارکز. نمی دانم چرا هم من و هم متن که انبار می نمایم، همه می میرند.

عشق «بودن» است نه شدن، عاشق بودن لحظه حیات زمان است. عذر می آورم از این همه گفتن ناگفتن؛ اما با زبان ذهنی بگویم: تا هنوز شانزده جلد کتاب از من به چاپ رسیده که عبارتند از: «زرگره زرلاسی کودگر»، «۱۳۷۸»، «بینادمان»، «۱۳۸۰»، «په کور یو لیونی»، «۱۳۸۸»، «دوازده بال»، «۱۳۸۸»، «تول سفر و، د زان دننه»، «۱۳۹۱»، و همین گونه کتابها و دفترهای دیگر.

هنوز از داشته های نامکتوبم حس می کنم که متن «من» هنوز نشده، هنوز زمین ذهن، این بهار را ندیده است. ای وای، این همه نوشتن و دوختن ذهن و احساس بر سر لحاف عروسی رومیو و ژولیت، فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون، اتللو و دسدمونا... مقدمه ای است برای عاشق شدن. **بنیاد ادبیات**

برادران و خواهرانم نویسنده و شاعرم بشنوید: بلی، ادبا، «فردا» عاشق می شوند: از گذشته ها این قصه است؛ لذا با این هم قد و قامت نویسندگی، دستم نمی رسد به «بودن» یک «لندی»، یا «هایکو» یا... تا باشد عشق باشد.

بزرگترین آرزویم، کشف «خود» و «آن» است



عزیز الله نهفته

زمین سوخته، به نوشتن داستان کوتاه رو آوردم که دیگر هر قالب شعری را برای بیان فاجعه تنگ می پنداشتم. هم زمان با سقوط طالبان به افغانستان برگشتم و رمان های «روایت آینه» و «سنگ ها و کوزه ها» را به نشر سپردم که استقبال خوبی از آنها شد. بعدها مجموعه داستان های کوتا هم به نام «دست شیطان» از سوی انتشارات افراز در تهران به چاپ رسید که از سوی خانه ادبیات افغانستان برنده جایزه ادبی نوروز در بخش بهترین مجموعه داستان شد. اولین سیاهه رمان «پیگم» را در کابل نوشتم. اما فقط سال ها بعد در سویدن توانستم به پایان برسانمش. «پیگم» رمانی در مورد گم شده های ما است؛ گم شده هایی که هر چند جستجو می کنیم، نمی یابیم. در این رمان به تاریخ سی ساله افغانستان چشم داشته ام و فرازونشیب آدم هایی که سرنوشت با آنها زشت بازی کرده است. در سویدن بار دیگر، حس غربت سراغم آمد. با پدیده جدیدی به نام «تنها آمده» پسران و دختران بدون سرپرست که به سویدن پناه آورده بودند، رویه رو شدم و اندک اندک با دردها و اشک های آنها آشنا شدم. حاصل این نزدیکی رمانی شد به نام «تنها آمده» که در ۱۴۴ برگ در سویدن به نشر رسید.

در رمان «تنها آمده» تنها به مهاجرت و پیامدهای آن پرداخته ام، بلکه چهره زشت جنگسالاران، قاچاقبران، فساد و ناامنی را نیز نشان داده ام. ضمن اشاره به عوامل ناامنی در افغانستان، تنهایی و بیکیسی، گم شدن در جمع و حس بی قراری، ترس و دلهره و عدم امنیت روحی و روانی جوانان تنها آمده به اروپا نیز از مسائلی اند که در این اثر واکاوی شده اند.

جایی نوشته ام که تبعیدی مخالف جریان آب شنا می کند. از همین رو، انرژی بیشتری نسبت به فاصله ای که پشت سر می گذارد، مصرف می کند. در آستانه چهل و پنج سالگی، حالا وقتی پشت سر می بینم، کار و کارنامه زیادی از خود به جا نمانده ام، اما همین قدر اندک هم، برای رفع تشنگی کافیست. در کنار روزمره گی که به جز کشتن وقت چیزی دیگر نیست و از آن ناگزیریم و شاملو آن را در سروده معروفش «غم نان اگر بگذارد»، به خوبی بیان کرده است، تلاشم این بوده است که وضعیتم را من حیث یک آواره درک کنم و برای شناخت و شناختاندن آن سعی بورزم. آخرین سروده ها و داستان های کوتا هم نیز، گرد همین موضوع می گردند: «ما می خواهیم مرزها را بشکنیم / صداها را درهم پیامیزیم و نامها را از نو تلفظ کنیم.»

هنوز خیلی جوان بودم که فریادم برای ما از دهنم جاری شد؛ فریادی که از گلوی بغض گرفته روی خون و خشم می ریخت و کسی فرصت نداشت به آن گوش دهد. اولین سروده هایم در غربت اغلب رنج نامه بودند، در آنها نه از عشق خبری بود و نه از امید؛ چون پرنده امید را در سیاهی شب گم کرده بودم و همه چیز را سیاه می دیدم و عیاناً سرخ، سرخ به رنگ خون. تم اصلی هر چهار مجموعه شعرم که در پاکستان و ایران به نشر رسیدند، مهاجرت، جنگ و ناامیدی اند. با اوج شقاوت طالبان و طرح

نامها را از نو تلفظ کنیم

فرهنگ



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۲

- بازنمایی مهاجرت و مهاجر در آهنگ ها و اشعار عامیانه افغانستان / بلقیس علوی / ۸.
- سیر تحول مطبوعات و رسانه جمعی در افغانستان / محمد عرفانی / ۲۰.
- جایگاه رسانه های جمعی در نظام حقوقی افغانستان / محمد عوض اعتمادی مالستانی / ۲۸.
- تحلیل و بررسی نفس در آرای نجم الدین رازی و ابن سینا / یعقوب یسنا / ۳۷.
- پروان و آذر فرنبغ بر روشن کوه آن / دکتر محمدیونس طغیان ساکایی / ۴۷.
- نوای خاموش نهان / شوونمل حسینه سلیمان / ۵۰.
- نگاهی به حماسه «ساتی برزن» / دینا محسنی / ۵۶.